

The Necessity of Special Police for Children and Adolescents in the Differential Justice System

Javad Tahmasabi*

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abbas Tadayon

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, School of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Batul Pakzad

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Ali Naser Kolivand

Ph.D. student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Specialization in all matters As a basic principle It has been raised in today's jobs and professions In such a way, it is no longer possible to expect to respond to its responsibilities with general knowledge and definitions governing the general behavior of different jobs and professions. Accordingly, judicial officers are not exempted from this issue Because this police, in addition to professional aspects, is directly related to human rights and maintaining human dignity In such a way that the specialization of matters related to officers and differential proceedings in the field of children, teenagers, women and people with special characteristics is presented as a necessity in the current system. Therefore, according to the legislator's emphasis, especially in the Criminal Procedure Law approved in 2013 (Article 31), some necessary principles regarding this group in cases related to the establishment of the special police for children and adolescents, it seems that the structure of this institution in restorative justice should be redefined. And for that, some basic and necessary measures should be considered. Therefore, in this article, analytically and descriptively to examine the basic elements of the specialized police situation of children and juveniles who violate the law in the differential justice system as well as their impact on crime prevention as one of the important missions of criminal law it is dealt with in restorative justice.

Keywords: Special police, child, adolescents, responsibility, retentive.

* **Email:** tahmasebi.dr@gmail.com (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۶، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۷۹ تا ۱۰۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

ضرورت پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نظام دادرسی افتراقی

اجواد طهماسبی*^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران
شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عباس تدین^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ابتول پاکزاد^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی ناصر کلی‌وندا^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران
شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

تخصص‌گرایی در تمام امور به‌عنوان یک اصل اساسی در مشاغل و حرفه‌های امروزی مطرح شده است، به نحوی که دیگر نمی‌توان با دانش عمومی و تعاریف حاکم بر رفتارهای عمومی مشاغل و حرف مختلف نسبت به مسئولیت‌های آن انتظار پاسخ‌گویی داشت. بر همین اساس ضابطان قضائی نیز از این موضوع مستثنی نیستند، زیرا این پلیس علاوه بر جنبه‌های حرفه‌ای ارتباط مستقیمی با حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی دارد، به نحوی که تخصصی شدن امور مربوط به ضابطان و دادرسی افتراقی در حوزه اطفال، نوجوانان، زنان و افراد با خصیصه‌های خاص به‌عنوان یک ضرورت در نظام کنونی مطرح می‌شود. لذا با توجه به تأکید قانونگذار خصوصاً در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (ماده ۳۱) بعضی اصول لازم درباره این قشر در موارد ارتباطی با تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به نظر می‌رسد ساختار این نهاد در عدالت‌ترمیمی باید از نو تعریف و برای آن برخی اقدامات اساسی و ضروری در نظر گرفته شود. لذا در این مقاله به روش

Email: tahmasebi.dr@gmail.com

* نویسنده مسئول

تحلیلی - توصیفی به بررسی عناصر اساسی وضعیت پلیس تخصصی اطفال و نوجوانان ناقص قانون در نظام دادرسی افتراقی و همچنین تأثیر آن‌ها در پیشگیری از جرائم به‌عنوان یکی از رسالت‌های مهم حقوق کیفری در عدالت ترمیمی پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: پلیس ویژه، طفل، نوجوان، مسئولیت، ضابط.

مقدمه

شناخت ضابطان دادگستری با عنایت به وظایف و اختیارات و مسئولیت‌هایی که قانون برای آن‌ها احصا کرده از اهمیت زیادی برخوردار است. ضابطان دادگستری بازوی اجرایی دستگاه قضائی هستند. تکریم شهروندان و احترام به حقوق شهروندی منطبق با رویکرد اسلامی مرهون اقدامات عملکرد صحیح و عادلانه مسئولان نظام قضائی از جمله ضابطان است. انجام صحیح این وظایف توسط مسئولان مستلزم نظارت مرجع قانون‌مدار است. در نظام حقوقی کشور ما ریاست و نظارت بر ضابطان اجرای احکام از حیث وظایف دادرسی بر عهده دادستان است. البته علاوه بر دادستان، سایر مراجع قضائی نیز حق بازرسی ویژه و استثنایی از ضابطان دارند.

نرخ فزاینده بزه‌کاری نقض‌کننده‌های قانون در سنین کودکی و نوجوانی از یک سو و از طرفی حس عدم امنیت در اجتماع، بررسی در همه ابعاد رفتارهای ناقص قانون این گروه را ضروری می‌کند، بدیهی است که ماهیت خاص دوران کودکی و نوجوانی و فشارهای وارده به آن در جامعه و همچنین کاهش سن ارتکاب جرم و افزایش فراوانی و تنوع جرائم، این دوران را دشوارتر می‌کند. همانطور که آینده‌سازان سرمایه انسانی و جامعه اصرار دارند، دولت‌ها استراتژی‌هایی را برای مهار و کنترل رفتار قانون‌شکنی این گروه اتخاذ می‌کنند. نگاه بر مبنای مدیریت شراکتی در عدالت ترمیمی، از پایه‌های ایجاد پلیس اطفال و نوجوانان به حساب می‌آید که با استفاده از نظریه‌های علم مدیریت قابل تشریح است. یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست جنایی در پرتو جرم‌شناسی، تدابیر و اندیشیدن مؤثر کنترل جرم و پشتیبانی از مجنی‌علیه‌هاست. در این عصر، برنامه‌های پیراقضائی و پیشگیری از جرم بر قربانی شدن و پیشگیری از جرم متمرکز است. به بیان واضح‌تر، نحوه برنامه‌ریزی نیروهای انتظامی برای مرحله قبل از وقوع جرم باید از یک جهت از حرفه‌ای شدن کودکان و نوجوانان در امر بزهکاری و تبهکاری در آینده ممانعت کند. از طرف دیگر، پلیس مخصوص کودک و نوجوان ضرورت دارد با اعمال اثرگذار و با آگاهی از قربانی شدن کودکان و نوجوانان ممانعت به عمل آورد، چون بررسی‌های علم جرم‌شناسی منتج به این نتیجه شده است که کودکان و نوجوانان بیش از دیگران در معرض خطر قرار دارند و به دلیل شرایط و حساسیت‌های

خاص خود در معرض خطر قربانی شدن قرار دارند. بنابراین وقتی صحبت از نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم می‌شود، هدف آن پیشگیری از وقوع جرم و بزه‌دیدگی هم‌زمان است (جلالیان، ۱۳۹۹: ۱۲).

دغدغه اصلی این تحقیق، بررسی وضعیت پلیس ویژه اطفال در کشور و تأثیر آن بر پیشگیری و کاهش رفتارهای ناقض قانون اطفال است. با توجه به اینکه این گروه سنی دارای شرایط روحی و جسمی منحصر به فرد و آسیب‌پذیری‌های بیشتر است، توجه به رویکردهای ترمیمی نسبت به آن‌ها ضروری است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار رویکردهای ترمیمی و نیمه‌ترمیمی سازگار با اساس عدالت ترمیمی، جهت قشر اطفال و نرسیده‌ها (نوجوانان) را مورد نظر قرار داده است. این نگاه‌های تخصصی می‌تواند شامل مشارکت سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) در پشتیبانی و حمایت از اطفال و نرسیده‌های مدنظر، در تأسیس پلیس مخصوص اطفال و نوجوانان و تغییر و تحول در میانجی‌گری ارتکابات این قشر مؤثر باشد.

در بطن فرایند دادرسی کیفری (که دادرسی افتراقی با دادرسی عادی متهاافت است) عمدتاً مراحل تعقیب و تحقیقات مقدماتی ابتدایی‌ترین مرحله ورود بزهکاران نوجوان به سیستم نظام قضائی به سبب حساسیت آن، بودن بیشترین احتمال تهاجم بر ضرر حقوق اساسی قشر نوجوان و ایراد به اصل برائت را به دنبال خواهد داشت.

علاوه بر این، قربانیان جرم در رده نوجوانان نیز به منظور دوستی با نظام قضائی نیاز به پشتیبانی و حمایت‌های حقوقی - قضائی در روند دادرسی افتراقی دارند که قانونگذار با ایجاد تأسیسات مستحدث در مرحله‌های تعقیب و تحقیقات جرائم (موضوع رفتارهای نقض‌کننده قانون) کودکان و نوجوانان بدان همت گمارده است (مهدوی ثابت، ۱۳۹۷: ۴۸).

۱. مفهوم طفل و نوجوان از منظر حقوقی

برخی از حقوقدانان بدون اینکه تفکیکی میان تعریف اطفال و نوجوانان قائل شوند به این صورت به بیان تعریف این افراد پرداخته‌اند: «منظور از کودک و نوجوان در حقوق کیفری، فردی است که فاقد شرایط روحی، ذهنی، جسمی و اجتماعی برای پذیرش مسئولیت یا مسئولیت کامل در پاسخ‌گویی نسبت به نقض قوانین کیفری است» (مؤذن زادگان، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

کودک در لغت به معنای کودک کوچک، زیر سن قانونی و نابالغ است. اگرچه در قانون مدنی ایران تعریفی از طفل وجود ندارد، اما از نظر فقهی، کودک به فردی گفته می‌شود که به دلیل سن به بلوغ جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی و خانوادگی نرسیده باشد و این ملاک اساسی

است. در تعیین دوران طفولیت طبق نظر مشهور فقها و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سنی که برای پسران به سن پانزده سالگی و برای دختران نه سالگی می‌گویند ادامه دارد، اما تعیین دوران کودکی، افرادی را تعریف می‌کند که بدون توجه به جنسیت، سن هجده سالگی را در کودکی کامل نکرده باشند. بنابراین دوران کودکی در اسلام کوتاه‌تر از سال‌های کودکی در کنوانسیون است. هرچند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در کنار پذیرش سن هجده سالگی به‌عنوان سن کودک و نوجوان، یک تقسیم‌بندی دیگر نیز داشته، به نحوی که دوره کودکی و نوجوانی را به چهار دوره شامل بدو تولد تا نه سالگی، نه تا دوازده سالگی، دوازده تا پانزده سالگی و پانزده تا هجده سالگی تقسیم کرده و از طرفی در دیگر قوانین حقوقی و سیاسی ایران، پایان سن کودکی گوناگون بیان شده است. البته ماده یکم کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، زیر سن هجده سال بودن را در صورتی سبب اطلاق واژه طفل می‌داند که استثناء ذکر شده را، یعنی به موجب قانون قابل اعمال کم‌تر از آن سن بلوغ شمرده نشود نتوان یافت. لذا این معیار بر حسب قوانین مختلف قابلیت انعطاف پیدا می‌کند و می‌تواند خود را با قوانین مختلف کشورهای گوناگون تطبیق دهد (همان).

در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، هر فردی که کم‌تر از هجده سال سن داشته باشد، کودک محسوب می‌شود، مگر اینکه سن بلوغ زودتر از هجده سال مطابق قوانین موجود در کشورهای مربوطه تعیین شود. کنوانسیون مزبور در سال ۱۹۸۹ میلادی مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد و طی سال ۱۳۷۲ مورد تصویب مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران رسید.^۱

با بررسی‌های معموله، نقطه آغازین دوران کودکی در بیانیه حقوق کودک ۱۹۵۹ - ۱۹۲۴ مشخص نشده است، لیکن در دیباچه کنوانسیون ۱۹۵۹ حقوق کودک به احتیاجات فکری، معنوی و جسمی افراد زیر سن هجده سال قانونی و پشتیبانی و حمایت‌های قانونی پیش از تولد مورد تأکید قرار داده شده است. بر همین اساس، کشورها طرق همانندی را برای اوایل دوران صباوت و کودکی

۱. ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک نیز در زمینه حق دادرسی منصفانه کودک مقرر می‌دارد: کشورهای عضو، درخصوص اطفال بزهکار به‌عنوان ناقض قانون کیفری، این حق به رسمیت شناخته شده که با آنان مطابق با ارزش و قدر و منزلت کودک رفتار شود. این امر سبب افزایش تکریم کودک نسبت به حقوق بشر (human rights) و آزادی‌های اساسی (basic freedoms) دیگران شده، سن کودک را مدنظر قرار داده است و همین امر علت ازدیاد درخواست وی برای همراهی با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده در جامعه می‌شود.

در نظر نگرفته‌اند. با این وصف، بعضی کشورها زمان صباوت را مرحله به دنیا آمدن یا منعقد شدن می‌دانند. کمیته حقوق بشر به همین ترتیب در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید می‌کند که دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور غیرمنطقی سن حمایت از کودک را کاهش دهند. کمیته حقوق کودک نیز تأکید کرد که حداقل سن کودکان باید توسط قانونگذار تعیین شود و از افزایش این سن حمایت کرد (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۱۹۸).

با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، موضوع افراد نابالغ به موجب ماده ۱۴۶ همان قانون، مورد توجه قرار گرفت به این شرح که افراد نابالغ در فرض ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت جزائی و کیفری خواهند بود و وفق تبصره این قانون «... طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». ایضا مستفاد از مواد ۹۵۶ و ۹۵۷ قانون مدنی، «اهلیت برای دارا شدن حقوق، با زنده متولد شدن جنین آغاز شده و با مرگ او پایان می‌یابد...». حسب بند (ج) ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱، در صورت ولوج روح جنین دختر، نیمی از دیه تمام جنین پسر، دیه تعیین خواهد شد. بنابراین، دیه از آن مواردی است که می‌توان گفت از آغاز کودکی در حقوق ایران از زمان لقاح متعین می‌شود.

۲. مفهوم پلیس از منظر حقوقی

واژه پلیس در لغت در مفهوم نظمیه و انتظام و شهربانی استفاده شده است. لفظ پلیس به ارگانی گفته می‌شود که حاوی مجموعه قوانین و مقرراتی است که برای نظم‌بخشی و ایجاد امنیت در جامعه مقرر و وضع شده است. در عصر ما معنی پلیس با تغییرهای پایه‌ای مواجه شده است. درحقیقت با تغییر دیدگاه نسبت به شرح وظایف پلیس، معنای آن هم عوض شده است. کلمه پلیس از لغت لاتین «polity» مشتق شده است و در این مفهوم ملاحظه می‌شود به نوعی از حکمرانی یا یک بخش و بدنه سیاسی توجه شده است. در کشورهای اروپایی در قرن پانزدهم معنای پلیس با موضوعات گوناگون روابط اجتماعی مانند صحت و سلامت و امنیت در اموال و دارایی همراه بود و در اصل پلیس به این مسائل از زندگی اجتماعی اشاره می‌کرد و جدای از این‌ها قدرت مستقل و سازمان مجزایی وجود نداشت. وانگهی وظایف پلیس سنتی توسط ارتش انجام می‌شد و هیچ نیروی مستقلی به اسم پلیس وجود خارجی نداشت. با شکل‌گیری حکومت‌های

۱. ج- دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشته باشد، سه چهارم دیه کامل.

پیشرفته در قرن هجده، واژه پلیس با حس و ایجاد امنیت داخلی همراه شد و با تشکیل و مهم جلوه دادن قانون، وظیفه و مسئولیت اساسی پلیس بر تأمین کردن نظم و ایجاد امنیت و ممانعت از بی‌توجهی به قانون متمرکز شد (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

کودکان سرمایه‌های آینده کشور و به درستی محتاج عنایت خاص و صد درصدی مسئولان و دست‌اندرکاران کشوری هستند، به گونه‌ای که ایشان مسئول و پاسخ‌گوی گسترش عدالت، ایجاد نظم و ساری و جاری کردن انضباط‌اند. لذا افسران و کادر نیروی انتظامی و پلیسی که به‌طور مستمر و مکرر یا اختصاصاً با صبیان و کودکان سروکار دارند یا در درجه اول به پیشگیری از بزهکاری نوجوانان می‌پردازند، باید برای انجام بهتر وظایف و مسئولیت‌های خود آموزش‌های ویژه‌ای ببینند. برای این منظور در شهرهای بزرگ باید واحدهای ویژه پلیس ایجاد شود.

در ماده ۳ لایحه غیرقابل استناد لایحه قانون پلیس ویژه کودکان و نوجوانان، پلیس ویژه این‌گونه تعریف شده است: «پلیس ویژه کارمندان فراجا با رعایت مفاد این قانون و پس از گذراندن دوره آموزشی مربوطه و مشارکت جامعه و سازمان است. مؤسسات عمومی ذی‌ربط وظایف مندرج در این قانون و انجام وظایف را بر عهده دارند» (باری، ۱۳۹۵: ۳۲).

در نظام حقوقی فرانسه، دادگاه محلی پلیس خود نیز به تحقیقات در رابطه با وضعیت گزارش‌های رسیده از ضابطان می‌پردازد. ماده ۵۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «در صورتی که احتیاج به بازجویی اضافی باشد، این کار توسط قاضی دادگاه پلیس یا قاضی دادگاه محلی پلیس بر طبق مواد ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰ و ۱۲۱ انجام می‌شود. مقررات بند سوم ماده ۴۶۳ قابل اجراست». در رابطه با گستره وظیفه این دادگاه می‌توان گفت که ماده ۵۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «در صورتی که دادگاه پلیس معتقد باشد که عمل، یک خلاف است، با توجه به مقررات مواد ۵۹ - ۱۳۲ تا ۷۰ - ۱۳۲ قانون جزا و مواد ۳ - ۷۴۷ و ۴ - ۷۴۷ قانون حاضر، دستور مجازات می‌دهد. در صورت امکان، درباره دعوی خصوصی بر طبق مقررات بندهای دوم و سوم ماده ۴۶۴ حکم می‌دهد».

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با توجه به اینکه قانون جامع و کاملی در رابطه با رسیدگی‌های کیفری است، ولی در رابطه با سلسله‌مراتب دادرسی و نقش و ارتباط میان دادستان و ضابطان به‌طور صریح مقررهای را مشخص نکرده است. در این قانون عموماً منظور از ضابط، پلیس است و تا آنجایی که نگارندگان بررسی کرده‌اند هیچ مصداق دیگری برای ضابط در این قانون مشخص نشده است (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

در حقوق کیفری نیز مقررات جدیدی درخصوص محاکمه اطفال پیش‌بینی شده است، مانند رسیدگی مستقیم به پرونده اطفال و جوانان در دادگاه‌ها تا کودکان درگیر فرایندهای رسمی و پیچیده محاکمه نشوند. به جهت حساسیت جایگاه و نقش صبیان (اطفال) و اثرگذاری نحوه ادب کردن آن‌ها، از ابتدای سال ۱۳۳۸ کانون‌های اصلاح و تربیت یا به تعبیر آن سال‌ها دارالتأدیب‌ها در ایران شکل گرفت و حدوداً ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۹ اولین دارالتأدیب (کانون اصلاح و تربیت) در شهر تهران و متعاقباً در شهرستان‌های شیراز و مشهد تأسیس شد.

برای کودکان و نوجوانانی که زیر هجده سال دارند و مرتکب بزه می‌شوند، که امروزه در اسناد بین‌المللی^۱ به جای واژه بزه و بزهکار درباره اطفال و نوجوانان از واژه «ناقص قانون» بهره می‌برند، ضرورت شکل‌گیری پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان بسیار جدی حس می‌شود. شماری از کشورها، پلیس خاص رسیدگی به امور کودکان و نوجوانان را در پیشینه خود تجربه کرده‌اند، ولی بعد از سپری شدن زمانی به این نتیجه نائل آمدند که بودن نیروی پلیس مخصوص رسیدگی به امور کودکان و نوجوانان یک واجب انکارنشده است. لکن حاضر بودن به صورت دائمی و مستمر این نهاد در تمام کلانتری‌های شهر ضروری نیست، لذا حتماً و باید یک مرکز پلیس ویژه جهت رسیدگی به امور کودکان تأسیس شود و کودکان و نوجوانان زیر هجده سال که دست به ارتکاب جرم می‌زنند به این مرکز رهنمون و هدایت شوند (نوری، ۱۳۹۳: ۴۳).

وانگهی به منظور اجتناب از الصاق عناوین مجرمانه بر کودک و نوجوان ضروری است از مبانی مهمی همچون پرهیز از ایجاد شخصیت مجرمانه در طفل و نیز پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط وی، تمهیداتی در نظر گرفته شود. اهمیت پرهیز از بدنام کردن طفل و نوجوان مرتکب بزه به دلایل پیش‌گفته و هرچه مصون‌تر نگاه داشتن وی از فرایند دادرسی رسمی و عادی و اجرای دادرسی افتراقی از جمله دستاوردهای نظریه‌هایی است که با عنوان برچسب‌زنی یا انگ‌زنی^۲ در

۱. ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک نیز در زمینه حق دادرسی منصفانه کودک مقرر می‌دارد:

«کشورهای عضو، در مورد کودکان مجرم یا متهم به نقض قانون کیفری، این حق را به رسمیت می‌شناسند که با آنان مطابق با شئونات و ارزش کودک رفتار گردد. این امر موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شده، سن کودک را در نظر گرفته و با در نظر گرفتن سن کودک، باعث افزایش خواست وی برای سازش با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده می‌گردد».

۲. نظریه برچسب‌زنی (labeling theory) رویکردی بسیار نزدیک به تحلیل‌های ساخت اجتماعی و تعامل نمادین است. این نظریه توسط جامعه‌شناسان در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسعه یافت. کتاب هوارد بکر، با عنوان **بیگانگان**، تأثیر زیادی بر توسعه و محبوبیت این نظریه گذاشته است. نظریه برچسب‌زنی، ریشه‌های خود را از کتاب خودکشی، اثر

قلمرو جرم‌شناسی شناخته می‌شود. این نظریه، نتایج مثبت و قابل توجهی برای نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان به همراه داشته است. از آنجا که کودکان و نوجوانان در برابر روند برچسب‌زنی آسیب‌پذیرترند این نظریه می‌کوشد از ورود کودکان به چرخه کیفری و برچسب زدن به آنان تحت عناوین مختلف جلوگیری کند. بهره بردن از اصول و آموزه‌هایی همچون اصل برائت، فردی کردن مجازات‌ها و یا اصل تأمین منافع عالیة کودک، حضوری تلقی کردن دادرسی و نیز قابل تجدیدنظر بودن آرای دادگاه‌های اطفال به وسیله مرجع صادرکننده حکم، متضمن پیشگیری از الصاق برچسب‌های مجرمانه به اطفال و نوجوانان است.

۲-۱. قانون حمایت از کودکان

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۳ پذیرفته و با نامه مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۲ به شماره ۲۸۷۵۳ توسط رئیس جمهور ابلاغ شد. قانون فوق مشتمل بر ۵۱ ماده و پانزده تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ سوم اردیبهشت ماه یک‌هزار و سیصد و نود و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۳۱ به تصویب شورای حفاظت رسید. از طرفی مطابق با ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان:

مددکاران اجتماعی به‌زیستی یا مأموران نیروی انتظامی مکلفند در موارد مشاهده طفل و نوجوان بدون همراهی والدین، اولیا یا سرپرست قانونی در وضعیت مخاطره‌آمیز، نسبت به ثبت اطلاعات و شناسایی خانواده وی اقدام و در صورت عدم نیاز به اقدامات حمایتی، وی را به خانواده تحویل و موارد خطر را به آن‌ها تذکر دهند و در صورت نیاز به حمایت، طفل و نوجوان را به پایگاه‌های به‌زیستی معرفی کنند.

همانطور که مشخص است بر اساس این ماده مأموران انتظامی باید اقدامات حمایتی خود را از اطفال و نوجوانانی که بدون والدین خود در محیط‌های پرخطر جامعه هستند انجام دهند و نسبت به پیدا کردن والدین و تحویل کودکان به آن‌ها اقدام کنند.

↓
جامعه‌شناس فرانسوی، امیل دورکیم گرفته است. او دریافت که جرم، تخطی از یک قانون کیفری نیست، بلکه عملی است که به حریم جامعه تجاوز می‌کند. او نخستین کسی بود که فهمید برچسب انحراف چنین نقشی را ایفا می‌کند.

۲-۲. لایحه تشکیل پلیس ویژه

حسب ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ درمورد پلیس ویژه کودکان و نوجوانان^۱ تعیین تکلیف شده است، لذا با توجه به ویژگی‌های روحی و جسمی کودکان و نوجوانان و ضرورت پلیسی‌گری افتراقی با استفاده از روش‌های غیرقضائی و ترمیمی در مواجهه با بزهکاری‌های آنان برای پیشگیری از تکرار بزه‌کاری و بزه‌دیدگی و در اجرای ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ لایحه تشکیل پلیس ویژه طی نامه شماره ۱۹۳۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۶ برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.

فراجا مکلف است پس از تصویب این لایحه و ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، نسبت به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان (پلیس ویژه) به‌عنوان پلیس تخصصی اطفال و نوجوانان، اقدام کند. سپس مراحل لازم برای انتخاب، جذب و آموزش افراد واجد شرایط و به‌کارگیری آنان را در دستور کار خود قرار دهد، مثل بهره‌مندی از نیروهای متخصص ناجا که از نکته‌های مورد تأکید این لایحه است. درمورد شرایطی که پلیس ویژه باید داشته باشد تا در این منصب خدمت‌رسانی کند می‌توان به ماده ۴ این لایحه اشاره کرد که مقرر می‌دارد:

مأموران پلیس ویژه باید علاوه بر شرایط عمومی استخدام در ناجا دارای شرایط زیر باشند:

۱. تأهل و ترجیحاً داشتن فرزند.
 ۲. دارا بودن شرایط مندرج در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.
 ۳. داشتن مدرک تحصیلی کاردانی و یا بالاتر در یکی از رشته‌های ذی‌ربط علوم انتظامی و همچنین رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، حقوق و مددکاری اجتماعی.
 ۴. گواهی گذراندن آموزش‌های تخصصی علاوه بر آموزش‌های مربوط به ضابطان.
- همچنین درمورد تدابیر و اقدامات پیشگیرانه و حمایتی پلیس ویژه از اطفال می‌توان به ماده ۶ لایحه مذکور اشاره کرد که مقرر می‌دارد:

۱. ماده ۳۱: «... و به‌منظور حسن اجرای وظایف ضابطین درمورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود؛ وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود».

پلیس ویژه مکلف است به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان با نقض قوانین جزایی از سوی آنان، ضمن برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف این قانون و اجرای تکالیف مقرر در آن‌ها، نسبت به انجام موارد زیر اقدام کند:

۱. ایجاد نظام جامع اطلاعات و آمار مربوط به اطفال و نوجوانان مشمول این قانون با همکاری دستگاه‌های مربوط.

۲. تشکیل کارگروه‌های مشترک با دستگاه‌های اجرایی مرتبط با احکام این قانون به‌ویژه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، کشور و تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

۳. بهره‌گیری از خدمات داوطلبانه نهادهای غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و اشخاص داوطلب در اجرای برنامه‌های پیش‌گیرانه و حمایتی و همچنین اشخاص حرفه‌ای مانند جرم‌شناسان، مشاوران حقوقی، مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و وکلای.

همانطور که مشخص است براساس این لایحه تمام اقدامات پیشگیرانه و حمایتی از اطفال بزهکار توسط پلیس پیش‌بینی شده است.

۲-۳. نحوه مواجهه پلیس ویژه با اطفال متهم به نقض قانون

نحوه مواجهه پلیس ویژه با اطفال و نوجوانان ناقض قانون و فرایند جلب، بازجویی و انجام تحقیقات مقدماتی از آن‌ها، به اصطلاح دادرسی افتراقی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، زیرا رفتار پلیس در این مرحله بسیار سرنوشت‌ساز است. پس یکی از مهم‌ترین وظایف پلیس ویژه کودکان این است که نحوه برخوردشان با این نوع از متهمان به نقض قانون متفاوت با افراد بزرگ‌سال باشد. چنانچه رفتار پلیس ویژه منطبق با ضوابط و استانداردهای مربوطه نباشد، می‌تواند زمینه را برای **تکرار جرم** و دوام بزهکاری در آن‌ها فراهم آورد. از سوی دیگر، رفتار صحیح و مناسب پلیس در این مرحله که قطعاً متعاقب آموزش‌های فنی و تخصصی صورت خواهد پذیرفت، می‌تواند زمینه اصلاح و بازسازی اطفال و نوجوانان را فراهم آورد (جهانی و پورشکیبائی، ۱۳۹۰: ۲۳).

هنگامی که افسران و کارکنان پلیس مسئول برنامه‌های پیشگیری از جرم و جنایت کودکان و نوجوانان هستند یا فعالیت‌هایی را برای محافظت از قربانیان انجام می‌دهند، باید در صورت امکان از حفاظت غیررسمی استفاده کنند تا در دستیابی به اهداف خود موفق باشند. در هر صورت

طراحی پوشش و یونیفرم مخصوص مأموران پلیس به ویژه کودکان و جوانان ضروری است. در این زمینه باید متناسب با وظایف و اختیارات خود با توجه به مسائل روانی و جامعه‌شناختی لباس تهیه کرد. همین امر در مورد وضعیت سلاح‌ها و سایر تجهیزات امنیتی نیز صدق می‌کند. کار پلیس ویژه کودکان و نوجوانان با در نظر گرفتن اصول دادرسی عادلانه در کشف و مبارزه با جرائم از جمله اقداماتی است که در لایحه پلیس ویژه در زمره وظایف پلیس ویژه درج شده است. با توجه به اصل ضرورت، امکان مواجهه اطفال و خردسالان مجرم با پلیس در جریان تحقیقات و کشف جرم وجود دارد. بنابراین این اقدامات باید با توجه به شخصیت کودکان و نوجوانان و با در نظر گرفتن حقوق دفاعی متهم انجام شود (اقلیما، ۱۳۹۲: ۴۳).

۳. تعامل پلیس ویژه اطفال جهت پیشگیری اجتماعی از رفتارهای ناقض قانون اطفال

در این قسمت به بررسی نقش پیشگیرانه پلیس ویژه اطفال در جرائم و همچنین تلاش‌های مددکاری اجتماعی در این زمینه خواهیم پرداخت.

۳-۱. نقش پلیس ویژه اطفال در پیشگیری اجتماعی از رفتارهای نقض‌کننده اطفال

بزرگ‌ترین راه پیشگیری، بسترسازی روان‌شناسی تربیتی در کشور برای رشد و تکامل کودکان است. آموزش و پرورش باید کمک و مساعدت پلیس کند، چون در نظام آموزشی کشور ما هنگامی که کودکان و نوجوانان مورد آسیب قرار می‌گیرند، فراجا باید پاسخ‌گو باشد و این ظلم بی‌نهایت چند برابر و مضاعف است، چه اینکه اگر پلیس به صورت ویژه با کودکان و نوجوانان پایین‌تر از هجده سالی که رفتارهای نامنظم ظاهری دارند و یا مرتکب جرائم جزئی شده‌اند مصاحبه کند و با جلب همکاری خانواده سعی در ترغیب آن‌ها داشته باشد. تعامل میان پلیس و کودک و خانواده سبب می‌شود که روابط میان پلیس و مردم بهبود پیدا کند.

حضور افسر و نیروی پلیس آموزش‌دیده، متخصص و مجرب با اونیفرم انتظامی در آموزشگاه‌ها و مدارس، برای سخنرانی، پخش فیلم‌های آموزشی و مستندها در خصوص جنایات و بزه‌دیدگی‌های کودکان و تشریح این فیلم‌ها و اسناد از جمله مواردی است که می‌تواند به پیشبرد امر در جامعه کنونی کمک شایانی کند. پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی نوجوانان مؤثر است. آموزش از پایین‌ترین سطح ممکن یعنی مهد کودک و نقش آن در پیشگیری از وقوع جرم نشان‌دهنده حرکت اساسی و اساسی در جهت تغییر ساختار اجتماعی است.

در این زمینه می‌توان از پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در ترکیه صحبت کرد. برنامه آزمایشی این پروژه در استانبول در حال انجام است و کانکا یک شخصیت انیمیشنی است که در نقش یک افسر پلیس کودک ظاهر می‌شود. مخاطبان این طرح کودکان نه سال به بالا هستند، در این طرح کودکان می‌توانند با ارسال پیام از طریق مرکز پیام، احساس‌ها و دریافت‌های حسی نامطلوب و یا خوشایندی که در طول زندگی روزمره برای آن‌ها پیش‌آمد دارد همانند حس غم و اندوه نشئت‌گرفته از تکی و بی‌کسی را با دیگران به اشتراک بگذارند. انبوه پیام‌ها به حدوداً ۱۵۵۰ رسیده است و ایشان همچنین قادر خواهند بود خطراتی را که برای خویش و یا خانواده خود حس می‌کنند پیامک کنند. این الگوواره در حقیقت برای شکل‌گیری و بالا بردن حس اعتماد در کودکان به پلیس طراحی و اجرا شده است (اشرفی، ۱۳۹۵: ۷۹).

باید گفت که برنامه‌های پیشگیری از جرم پلیس نه تنها باید به‌عنوان میانجی راهبردهای پیشگیری از جرم مورد استفاده قرار گیرد، بلکه باید این برنامه‌ها را به‌عنوان فعالیت‌های پلیسی مثبت با هدف کودکان و نوجوانان ترویج و توصیف کرد (قناد، ۱۳۹۱: ۱۸).

تشکیل پلیس ویژه می‌تواند رُل و نقش اثرگذاری در جلوگیری از تحقق جرائم و تعدد و یا تکرار جرائم داشته باشد و این اقدام با شراکت و کوشش همه ارگان‌های دولتی و یا غیردولتی (مدنی)، همچون نهاد آموزش و پرورش و اداره رفاه و نقش اثرگذار پلیس در جداسازی کودکان از جامعه انجام می‌شود. محیط‌های جرم‌خیز و امکان آموزش و آموزش مناسب برای آن‌ها از سوی دولت وجود نخواهد داشت و در شرایط کنونی تا رسیدن به نقطه مطلوب راه درازی در پیش است (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

۳-۲. نقش مددکاری اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری (به معنای رفتار ناقص قانون) اطفال

در دیدگاه خاص، مددکاری در حوزه اجتماعی به صورت حرفه‌ای و تخصصی عمل می‌کند. بر این مبنا می‌توان بیان کرد که مددکاری در بخش اجتماع (روش، مهارت‌ها به همراه دانش)، اصولی است که نتیجه آن مساعدت به جامعه‌های هدف خواهد بود. در این نوع از مددکاری توان‌بخشی و بازپروری افراد و ایجاد شکوفایی استعدادها اهمیت ویژه‌ای دارد. در بخش کودک و نوجوان مشارکت اعضای پلیس و فراجا بسیار مهم است. ضرورت دارد این مددکاران اعتماد پلیس را به خود معطوف دارند، زیرا چنانچه ارتباط لازم فی‌مابین کودک‌ها و پلیس برقرار شود می‌توان از طریق همان مددکاران اجتماعی به‌عنوان یک نقطه عطف و واسطه بهره برد. ایشان برای اینکه بتوانند وظیفه خویش را به نحو احسن ایفا کنند باید دو ویژگی داشته باشند. ابتدا کودکان و نوجوانان را باید

دوست داشته باشند و مورد مهر و محبت قرار دهند و در مرحله بعد با عنایت به تخصص و دانشی که در این خصوص دارند قادر باشند به نحو خیلی تخصصی و حرفه‌ای اقدام کنند. آن‌ها ضروری است توانایی داشته باشند که به سهولت و راحتی با کودک و نوجوان مرتبط شوند و ارتباط برقرار کنند (کشفی، ۱۳۸۷: ۵۰). بر همین منوال است که یک افسر کادر پلیس وقتی کارآمد خواهد بود که از هنگام کشف جرائم تا دستگیری متهمان و مواجهه با مجنی‌علیهیم (بزه‌دیدگان) نیازمند مساعدت و همراهی و نیاز به اخذ مشاوره و همیاری مددکاران اجتماعی، موضوع را به خوبی تحلیل و با ابتکار عمل مدیریت کند. به‌ویژه آنجایی که کودک و نوجوان آسیب‌دیده فرصت و زمان بازپروری و اصلاح و بازگشت به جامعه را دارد و لذا اگر به نحو علمی و درست از همراهی و معاضدت این گروه از افراد بهره‌مند باشیم به خوبی قادر خواهیم بود مراحل رشد و جامعه‌پذیری را برای کودکان و نوجوانان آسیب‌دیده از بزه‌کاری فراهم کنیم (رضانیا و ریگی، ۱۳۹۵: ۵۶).

عمده مشکلاتی که نهاد مددکاری اجتماعی در تشکیلات پلیسی با آن دست و پنجه نرم می‌کند، شناختن درجه اهمیت و جایگاه این گروه از اقشار است، در حالی که مددکاران و مشاوران اجتماعی قادر خواهند بود اثر برجسته‌ای در پشتیبانی و حمایت از کودکان و نوجوانان داشته باشند، زیرا آنان قبل از قضات به‌واسطه نزدیکی به موضوع درخصوص حالت خطرناک و آسیب پیش‌آمده، اطلاع و آگاهی دارند و از جهت دیگر با توجه به حالت و روحیه حساس کودکان و نوجوانان و نقش‌پذیر و تربیت‌پذیر بودنشان بهره‌برداری از تجربیات درباره اطفال در این خصوص مفید و گره‌گشا خواهد بود. تعیین و مشخص کردن مرحله مشاوره و مددکاری اجتماعی در روند رسیدگی قضائی و دادرسی پرونده‌های ویژه اطفال و نوجوانان گامی مهم و اساسی برای تحقق عدالت واقعی کیفری در مراحل ابتدایی شکل‌گیری پرونده به شمار می‌رود. بر همین مبنا پس از تأسیس پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان در مراکز پلیس باید شرایط و زمینه‌های ضروری را برای تأثیر فعال مددکاران اجتماعی فراهم کرد. در نتیجه با همیاری و هم‌فکری مرکز پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان است که می‌توان فضای رسیدگی قضائی و دادرسی این قشر با حقایق اجتماع نزدیک کرد و انتظار آرای متقن و کارآمدی از طرف قضات عالم و دانشمند دستگاه قضائی را به منصفه ظهور و ثبوت رساند. از طرفی مددکاری اجتماعی نیز می‌تواند آورده و سرمایه دیگری در جهت ارتقای رسیدگی قضائی و دادرسی کودکان و نوجوانان به همراه داشته باشد. متعاقب آنکه مددکار اجتماعی شناخت کامل و دقیقی نسبت به این افراد جامعه پیدا کند، آنگاه می‌تواند درباره بررسی وضعیت آن‌ها اعمال جایگزین کند و پیشنهادهای لازم برای اقدام‌های مؤثر به‌عنوان جایگزین واقع شود (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۱۱).

۴. تأثیر پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در جلوگیری از وقوع جرائم مربوطه

از نگرانی‌های اساسی علم جرم‌شناسی و سیاست کیفری برنامه‌ریزی مؤثر مهار جرم و پشتیبانی از بزه‌دیدگان است. در این زمانه دیدگاه برنامه‌ریزی برای ممانعت از وقوع جرائم معطوف به پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی است. به بیان متفاوت شالوده‌طرح‌های پلیس درباره ممانعت از وقوع جرم باید به طریقی باشد که از یک جهت از دگرگونی کودکان و نوجوانان به افراد بزهکار در آینده ممانعت به عمل آورد و از طرف دیگر پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان از روش اقدام‌های تأثیرگذار و آگاهانه از شکل گرفتن اطفال و نوجوان به مجنی‌علیه و بزه‌دیده پرهیز کند، زیرا تحقیقات جرم‌شناختی بیان می‌کند که کودکان و نوجوانان به‌علت شرایط ویژه خود و آسیب‌پذیر بودن آن‌ها، بیشتر از هر فرد دیگری در وضعیت مشکلات مجنی‌علیه و بزه‌دیدگی قرار دارند. در نتیجه وقتی که حرف از تأثیر پلیس در جلوگیری از جرائم پیش می‌آید به پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی معطوف به صورت یک آن و هم‌زمان است.

در این بخش از مقاله به بیان چند مطلب مهم درباره تأثیر پلیس در ممانعت از وقوع جرائم دارای اهمیت ویژه است. بدو اینکه پلیس ارگانی است نظارتی و نیز اجرایی که حاوی اختیارات محدود ولی روشنی است و بیشتر از آن نمی‌توان از نهاد پلیس انتظار عملی داشت. بر همین مبنای مقوله ممانعت و پیشگیری از وقوع جرم امری چندبعدی و چندنهادی است که خارج از قدرت و توانایی یک سازمان تعریف‌شده یا حتی یک قوه است. بر این اساس به درستی درخصوص مفهوم پیشگیری و ممانعت از وقوع جرم باید گفت پیشگیری از وقوع جرم با مداخلات چند نهادی می‌تواند واکنش هماهنگ و برنامه‌ریزی‌شده آن نهادهای اجتماعی به عویصه و مشکل وقوع جرم باشد. غایتاً نگاه چندنهادی بدین معناست که با هماهنگی و بسیج کردن تمامی ارگان‌ها و نهادهای قانونی اعم از رسمی و غیررسمی با عوامل موجد پدیده مجرمانه مبارزه و از راه همیاری و تشریک مساعی به صورت تشکیلاتی و عقلایی و هماهنگ با حقایق موجود روبه‌رو شود. در نتیجه اگر مشارکت در جهت قانون و یکسو با سایر نهادها نباشد و یا دچار ضعف و یا ناکارآمدی باشد، در واقع و نفس الامر شاهد بی‌ثمر ماندن مساعی و تلاش‌های وابسته با حوزه پیشگیری از وقوع جرم خواهیم بود.

پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان با بهره از روش‌های مؤثر انتظامی همچون گشت‌زنی و با محض اطلاع از وقوع جرم با تجهیزات و امکاناتی که در اختیار دارد، افراد مظنون و یا متهم را برای طی مراحل قضائی به مراجع قانونی و صالحه معرفی می‌کند. قطعاً انجام این مراحل به شکل ایدنال و مطابق با ضوابط قانونی، در بازدارندگی و ممانعت از وقوع جرائم مؤثر است و در موضوع

ممانعت و پیشگیری، در نگاه و مفهوم عام مؤثر واقع می‌شود و یا از نگاه دیگر با اقدام‌های پشتیبانی، حمایتی، مشاوره‌ای و امدادی که نسبت به کودکان و نوجوانان مجنی‌علیهم (بزه‌دیدگان) در سیر مراحل و فرایند جزائی انجام می‌دهد، تأثیر بسزایی در محقق شدن عدالت ترمیمی در اجتماع بر عهده خواهد داشت. با این اوصاف، نباید تأثیر پلیس را در برابر کودکان و نوجوانان (نسل Z یا زومر)^۱ به صورت‌های سرکوبگرانه و یا قهری محدود کرد، بلکه پلیس از روش‌های متفاوت می‌تواند در سیر مراحل و فرایند ممانعت و پیشگیری وضعی و یا اجتماعی از بزهکاری و بزه‌دیدگی این قشر از اجتماع اثرگذار باشد. البته باید قبول داشت هنگامی این اقدام‌های پلیس کارآمد خواهد بود که با همیاری و همراهی دیگر نهادهای رسمی و غیررسمی همچون سمن‌های^۲ فعال در حوزه کودک و نوجوان باشد. توجه به این موضوع بوده است که در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، خاصه بند ۸ ماده ۴ آن قانون در خصوص تأثیر و تکلیف بر ممانعت و پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان واجبی در اجتماع مورد تأکید قرار گرفته شده است (جلالیان، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

۵. قابلیت‌ها و بایدهای پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان

کاربردی‌ترین و اثربخش‌ترین روش جلوگیری از وقوع جرم کودکان و نوجوانان در جمهوری اسلامی ایران، به‌وجود آوردن زمینه روان‌شناسی رشد و ایجاد یک تحول مطلوب با تربیت اطفال و نوجوانان خواهد بود؛ نهاد آموزش و پرورش ضروری است به مدد پلیس بیاید. چون هرگاه زیان و خسارتی در نظام آموزشی متوجه کودکان و نوجوانان شود، پلیس ضرورتاً جوابگو باید باشد و این در گام نخست بدواً ظلم به اطفال و آنگاه ظلم چندبرابر به جامعه پلیس و فراجاست (جهانی، ۱۳۹۰: ۲۱).

اندیشه جلوگیری از وقوع جرم و یا پیراقضائی در یک کلمه، پیشگیرانه، محض کردن نظارت و حوزه مراقبتی فراجا (پلیس)، بر موقعیت‌های مستعد جرم محقق است، مثلاً دسته‌ای از اشخاص

۱. نسل زد (Z) که به آن نسل زومر نیز گفته می‌شود نسلی است که در طول سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ در دنیا متولد شده‌اند. این نسل در واقع در عصر تکنولوژی و همچنین شرایط عجیب و غریب و سخت اقتصادی در دنیا متولد شده‌اند. این نسل به شدت به استفاده از تکنولوژی مثل گوشی‌های تلفن همراه هوشمند و رایانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی وابسته هستند، به نحوی که بدون آن‌ها عملاً زندگی برای این نسل غیرممکن می‌شود.

۲. NGO (Non-governmental organization): سازمان‌های مردم‌نهاد.

پلیس که با بهزیستی یا نهاد شهرداری همکاری می‌کنند، به ساماندهی اطفال متواری از آموزشگاه‌ها و مدارس، اطفال و نوجوانان در حال ولگردی و پرسه‌زنی، اطفال بدسرپرست و یا بی‌سرپرست، در سطح خیابان‌ها پردازند که قطعاً در این اقدام، شاهد اعمال خودجوش از طرف پلیس خواهیم بود. با این وصف به احتمال قوی اگر این توانایی برای پلیس ویژه به وجود بیاید که با نسل زومر (Z) اطفال و نوجوانان زیر هجده سال دارای اعمال خلاف و بی‌نظمی یا آناشیسیت، بتواند گفت‌وگو انجام دهد و سعی در مجاب کردن خانواده و مدرسه او در همکاری کند، به طور حتم تعامل فی مابین پلیس و طفل و خانواده او و مساعدت آنان سبب خواهد شد تا ارتباطات پلیس و مردم ارتقا یابد و مأموران و افسران پلیس فراجا به‌عنوان نمایندگان نیرومند اجرای قانون معرفی شوند، و بالاتر اینکه تأثیر حفاظت از اطفال و نصیحت‌کننده خانواده وی را هم بر عهده خواهند گرفت. مضافاً اینکه این افعال و کارهای انجام‌شده در کاهش آمار عددی بزهکاری اطفال و نوجوانان مؤثر خواهد بود (نجفی توانا، ۱۳۸۲: ۴۳).

از مواردی که در اهداف جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرم و به‌وجود آمدن بزهکاری یا بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان مد نظر قرار می‌گیرد، تعلیم و تربیت از طریق آموزشگاه و مدرسه است. نهاد فراجا و پلیس با همیاری اولیای مدرسه و به تعبیری همکاری اولیا و مربیان مدرسه و با طرح و اجرای دوره‌های آموزشی فراگیر در حوزه اجتماعی و تحصیل فن و مهارت‌های روش زندگی کردن در برنامه‌های متون کتب درسی می‌توانند دانش‌آموزان را در جلوگیری و پیشگیری از ورود در ورطه جرم و برخورد با تضادهای اجتماعی از جمله پیشگیری از رسیدن به زمان، مکان‌ها و موقعیت‌های مجرمانه بالقوه یاری دهند.

طرح همیار پلیس برای دانش‌آموزان در مدرسه و همکاری ایشان با فراجا و پلیس، فراتر از یک طرح‌واره برای پلیس راهور فراجا خواهد بود که از مدت‌ها پیش در بعضی مدارس اجرا شده است و در اغلب مسائل ضد اجتماعی مانند بی‌انضباطی آناشیسیتی و ارتکاب جرم‌های با درجه مجازات ۷ و ۸ موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اعتیاد دانش‌آموزان، در مدرسه این همیاری با پلیس می‌تواند در رشد و تربیت و حتی آمادگی کودکان و نوجوانان در برابر معضلات جامعه (آنتی سوسیال - ضداجتماعی) و ممانعت و پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی این گروه اجتماع مؤثرتر باشد. سخنرانی و ارائه نکته‌های مهم توسط پلیس آموزش‌دیده و باتجربه در آموزشگاه‌ها و مدارس با لباس سیویل (شخصی) و ارائه مستندها و فیلم‌های یادآوری‌کننده، یقیناً نسل زومر (Z) را از بزهکاری و بزه‌دیدگی مصون می‌دارد و با نقد و بررسی این مستندها که در جامعه کنونی واقع شده است می‌تواند بسیار در پیشبرد اهداف پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی این نسل مؤثر باشد.

ارائه آموزش و تأثیر آن در ممانعت و پیشگیری از وقوع جرائم در سطح اطفال و نوجوانان که امکان آموزش در آن‌ها همانند نقش بر حجر ثابت و پایدار خواهد بود می‌تواند حرکت بنیادین و اساسی برای تغییر در نظام اجتماعی باشد. لذا در کل شناخت فرهنگ گروه‌های سنی زومر (نوجوانان Z) و توجه به علایق آن‌ها، سبب شناخت عوامل ارتقای اعتماد به نفس آن‌ها در شیوه اتخاذ روش کاربردی برای جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرم در این قشر از جامعه خواهد بود (جلالیان، ۱۳۹۹: ۱۳۹).

۶. تخصص‌گرایی ضابطان قضائی در خصوص اطفال و نوجوانان

با بررسی قوانین کشورهای مترقی، به‌خوبی می‌توان به اهمیت و ضرورت نقش ضابطان قضائی به‌عنوان بازوی مقام دادستانی اشاره کرد که نه‌تنها ارتباط آن‌ها دوسویه بوده و نظارت بر حسن انجام فعالیت‌های ضابطان بر عهده دادستان و پاسخ‌گویی و دستورپذیری ضابطان نیز به مقام دادستانی است، بلکه این رابطه بر مبنای یک اصول و قواعد تعریف‌شده تبیین شده است. دادستان مکلف است به ضابطان خود آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی را فرا دهد و ضمن مشخص کردن زوایای کار، محدوده فعالیت و ساختار وظایف آنان، مواردی را که می‌تواند سبب تداخل وظایف ضابطان با سایر نهادهای حقیقی و حقوقی شود و یا مواردی را که می‌تواند به‌عنوان یک چالش برای ضابطان در حین انجام وظایف مطرح شود، گوشزد کند. در این رابطه دادستان وظیفه حمایتی و پشتیبانی از ضابطان را بر عهده دارد. در عمل ضابطان در حین مأموریت‌های خود همواره با مخاطره‌های شغلی روبه‌رو هستند که به‌دلیل احتمال درگیری با مجرمان، تعقیب و گریز و یا تحقیقات اولیه با موانع و حتی تخریب‌هایی مواجه شوند که بنا بر نص صریح قوانین مترقی در دنیا این وظیفه دادستانی است که از این افراد در قبال بازتاب اجتماعی فعالیت‌های آنان و یا احتمال به چالش کشیده شدن اقدامات ضابطان توسط نهادهای حقوقی، امنیتی، اجتماعی و... از آنان در صورتی که در محدوده آموزش‌ها و یا وظایف تعریف‌شده از سوی قانون و دادستان باشد، حمایت کند. در غیر این صورت و در شرایطی که ضابطان خود برای اجرای قانون‌شکنی اقدام کنند، نمی‌توان انتظار داشت که دادستان همچنان به‌عنوان یک مقام پشتیبان عمل کند.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تمام کسانی را که در دو ماده ۲۸ و ۲۹ تحت عنوان ضابط دادگستری مشخص کرده است، بدون هیچ شرط قابل‌ذکری، وظایفشان را گوشزد می‌کند. در قانون موصوف علاوه بر ذکر اشخاصی که ذاتاً ضابط در نظر گرفته می‌شوند، لیکن برای احراز این عنوان ضابطیت دادگستری لزوم آموزش و فراگیری مهارت‌ها و گذراندن دوره‌های لازم را واجب

دانسته و برای ایفای وظایف در کسوت ضابطیت، تحصیل کارت شناسایی خاص ضابطان را شرط قرار گرفتن در این مقام ذکر کرده است.

قطعاً دستور امره فوق‌الذکر در تخصصی‌تر کردن مسئولیت ضابطان دادگستری تأثیر بسزایی در امور مخصوصاً پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان داشته، چه اینکه علاوه بر تشکیل دوره‌های فراگیر تحت اشراف دادستانی کل کشور، سبب می‌شود آموزش تخصصی مهارت‌های لازم در جهت کشف جرم و تعقیب مجرمان را فرا گیرد و همین امر از دخالت افراد غیرآموزش‌دیده و فاقد کارت شناسایی ضابطان دادگستری که بعضاً ممکن است موجبات سوءاستفاده‌های احتمالی همچون (اخذ رشوه از اصحاب دعوا) را فراهم آورد، پیشگیری و ممانعت به عمل خواهد آورد و مراتب منتج به عملیاتی شدن اهداف تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان خواهد شد.

۷. رویکردهای موجود برای بهبود وضعیت اطفال متهم به نقض قانون

در این قسمت به بررسی رویکرد عدالت ترمیمی و نیز استفاده از پلیس زن در جرائم اطفال می‌پردازیم.

۷-۱. رویکرد عدالت ترمیمی پلیس در قبال جرائم و رفتارهای ناقض قانون کودکان

با آشکار شدن نمونه بارز پلیس طرفدار جامعه سالم، ضرورت ارتقای مسئولیت‌پذیری این پلیس در مقابل علت‌های مبنایی وقوع جرم و نیازهای ضروری اجتماع، موجب به وجود آمدن امیدهای جدیدی برای تشریک مساعی با پلیس در اجرای طرح‌های ترمیمی شده است. از هدف‌های پلیس با وضع ترمیمی در راستای عدالت ترمیمی، مرتفع کردن دعوای و حل موضوعات مطرح و شرمساری حاصله در بزهکار است. یعنی از منظر عدالت ترمیمی، پلیس با مشارکت دادن بزهکار، بزه‌دیده، اجتماع و تمامی آن‌هایی که از ارتکاب جرم تحت تأثیر قرار گرفته‌اند مترصد همراه و هماهنگ شدن افراد جامعه شده است تا آن‌ها را به تشریک مساعی در حل و فصل مسائل و مشکلات فراخواند و با ایجاد محیطی متغیر با هر آنچه در سیستم پیشامدرن (سنتی) موجود است، به دعوای بین افراد خاتمه دهد و مشکلات و عویصه‌های^۱ احتمالی را با رسیدگی قضائی حل و فصل کند. در نتیجه این پلیس از روش ایجاد شرمساری و خجالت در بزهکار، به دنبال ایجاد مسئولیت‌پذیری در وی است تا ضمن جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده، بزهکار نیز اصلاح شود و

۱. (عویصه) عویصه. [ع.ص.] (ع.ص) مشکل و دشوار (آندراج). یکی عویص. رجوع به عویص شود.

به جامعه بازگردد و در نتیجه از تکرار جرم پیشگیری شود. بر این اساس از جمله اقداماتی که پلیس ترمیمی برای اجتناب از برجسب خوردن و ایجاد شرمساری در کودکان و نوجوانان بزهکار می‌تواند انجام دهد عبارت‌اند از قضازدایی، بایگانی کردن پرونده و هشداردهی پلیس.

۷-۲. نظریه بهره‌برداری از پلیس و ضابطان نسوان در تحقیقات از اطفال و نوجوانان

از تأسیسات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بهره‌برداری از پلیس و ضابطان نسوان در تحقیقات از اطفال و نوجوانان است. قانونگذار با آوردن «در صورت امکان» این نظریه را در نظر گرفته است.^۱ این حالت مبتنی بر توجه حمایتی از کودکان است تا آن‌ها با پلیس آقا که در مرحله عدالت جزائی حضور دائمی دارند، مواجه نشوند. قطعاً به روحیه حساس و شکننده اغلب کودکان، از مسیر پلیس زن که بهتر از احساسات اطفال اطلاع دارند (در نظریه عدالت ترمیمی) راهی تأثیرگذار در ممانعت و پیشگیری از وقوع جرم توسط کودکان خواهد داشت (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۷).

با عنایت به تبصره ۱ ذیل ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ تحقیقات ابتدایی در جرائم ارتكابی توسط اشخاص پایین‌تر از پانزده سال بدون کیفرخواست به‌طور مستقیم در مرجع قضائی (دادگاه اطفال و نوجوانان) انجام خواهد شد و دادگاه تمامی تکالیف قانونی پلیس و مرجع دادسرا را به عمل خواهد آورد. در نتیجه این مقررۀ آمره، پیش‌بینی بهره‌مندی از پلیس نسوان برای بررسی مقدماتی در جرائم اطفال و نوجوانان زیر پانزده سال به شکلی در تهافت با تبصره ۱ ذیل ماده ۲۸۵ مرقوم واقع می‌شود، الا اینکه قائل شویم، هرچند مرجع قضائی خود به تکلیف قانونی‌اش که همان انجام تحقیقات مقدماتی است عمل می‌کند، اما این امور را قادر خواهد بود به پلیس نسوان واگذار کند. علاوه بر آن مرجع قضائی چون در واقع زمان مکفی برای انجام امور مراحل ابتدایی در خصوص تحقیق و بازجویی را ندارد می‌تواند به ناچار از پلیس کمک بگیرد.

۷-۳. رویکرد رویه قضائی ایران بر بزهکاری اطفال

در این قسمت به بررسی و تحلیل یک نمونه رأی در زمینه جرائم اطفال می‌پردازیم.

موضوع: قدرت‌نمایی با قمه و ایراد جرح عمدی با قمه

۱. ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود».

در این پرونده آقای ...، متولد ۲ - ۵ - ۱۳۷۹، باسواد (دیپلمه - ترک تحصیل)، شغل آزاد، اهل و مقیم تهران، مجرد، فاقد پیشینه کیفری، بازداشت از تاریخ ۳۱ - ۲ - ۹۷ الی ۲۰ - ۵ - ۹۷ (جمعاً ۸۳ روز) در کانون اصلاح و تربیت تهران به دلیل عجز از ایداع وثیقه و سپس آزاد با صدور قرار قبولی کفالت، متهم است به: قدرت‌نمایی با قمه و ایراد جرح عمدی با قمه (جنبه عمومی جرم) در تاریخ ۲ - ۲ - ۱۳۹۷، نسبت به شاکی آقای متولد ۲۸ - ۱۰ - ۱۳۷۷ موضوع کیفرخواست شماره ۵۲۳ - ۹۷۱۰ - مورخ ۲۹ - ۵ - ۱۳۹۷ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۹ تهران (ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان).

مشاور معرفی شده از طرف مجتمع قضائی اطفال تهران پس از مطالعه پرونده، در جلسه دادرسی «نظر مشورتی» خود را مطابق صفحه ۱۲۸ پرونده به شرح زیر به دادگاه اعلام داشته است: با توجه به محتویات پرونده، متهم فردی است که در زمان ارتکاب جرم سن او زیر ۱۸ سال بوده و فردی است دیپلمه. پیشینه خانوادگی او [حاکمی است] که پدرش بیمار و به دلیل بیماری، از کارافتاده می‌باشد و مادر نیز پرستار سالمند [بوده] و خودش قبل از ارتکاب جرم در یک خیاطی کار می‌کرده تا کمکی برای خانواده از جهت امرار معاش باشد. وی فاقد سابقه کیفری بوده و با توجه به اقرار صریح در مرحله تحقیقات، که انگیزه بزه خود را دفاع از ناموس (خواهرش) بیان کرده و اظهار ندامت و پشیمانی بسیار کرده و به همین اساس رضایت شاکی را نیز اخذ نموده است و اینکه متهم در سنین جوانی به دور از منطق و آگاهی‌های لازم در برخورد با مشکلات و عدم مهارت کنترل خشم بوده لذا از محضر محترم دادگاه تقاضای بخشش و مساعدت قضائی را دارم (اعمال ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی). تصمیمات اصلاحی، درمانی و حمایتی دادگاه به قرار زیر است:

الف) عدم امکان به کارگیری برخی نهادهای اصلاحی - ارفاقی: مطابق ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تعدد جرم‌های از روی عمد که مجازات آن‌ها وفق قانون اقلأ یک مورد از آن‌ها بیشتر از یک سال زندان و حبس باشد مانع انشای حکم به مجازات‌های جایگزین زندان و حبس می‌باشد. در پرونده حاضر نیز به دلیل اینکه متهم این پرونده مرتکب جرائم متعدد شده، امکان صدور مجازات جایگزین به جهت «تعدد جرم» و نیز به جهت «درجه جرم» ایراد ضرب و جرح عمدی منجر به نقص عضو وجود ندارد. درخصوص امکان استفاده از نهادهای جرم‌شناختی دیگر مانند «اقامت در منزل» یا «نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته» نیز هرچند برخی از آن‌ها به طور بالقوه قابلیت استفاده را دارند لیکن اولاً این نهادها قابلیت تأمین اهداف اصلاحی - درمانی مدنظر دادگاه را نداشته و منجر به حل مسئله نخواهند شد و بیشتر رویکرد کاهش آسیب در آن‌ها

متصور است. ثانیاً دادگاه می‌بایست بین نهادهای مختلف، مناسب‌ترین را انتخاب کند و در شرایط فعلی صدور قرار تعلیق اجرای بخشی از مجازات به شرح بند بعدی قابل توجه و مناسب است.

ب) صدور قرار تعلیق مراقبتی اجرای یک سوم از مجازات: دادگاه صدور قرار تعلیق مراقبتی اجرای مجازات را در مورد محکوم‌علیه مناسب و ممکن می‌داند، چراکه اولاً: مطابق ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ امکان تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات تمام جرائم ارتكابی توسط نوجوانان بدون تأثیر نوع و درجه جرم ارتكابی وجود داشته و حتی مطابق ماده ۹۵ قانون مزبور، محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است؛ ثانیاً با در نظر گرفتن نوع جرم، میزان مجازات، وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق محکوم‌علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتكاب جرم گردیده پیش‌بینی می‌شود که تعلیق اجرای مجازات و الزام نامبرده به انجام برخی تدابیر و دستورات موجب اصلاح وی شده، از آثار سوء زندان نیز جلوگیری به عمل آمده و برخی از خسارات وارده بر جامعه نیز جبران گردد؛ ثالثاً: شرایط مقرر در مواد ۴۰، ۴۶ و ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح زیر محرز است: (۱) وجود جهات تخفیف به دلیل جوان بودن، وضعیت شخصی و خانوادگی محکوم‌علیه و اخذ رضایت شاکی خصوصی، (۲) پیش‌بینی اصلاح مرتکب به دلیل اظهار ندامت و پشیمانی از ناحیه محکوم‌علیه و اعلام اراده به اصلاح روند زندگی، (۳) جبران خسارت و ضرر و زیان شاکی خصوصی و اخذ رضایت ایشان، (۴) درجه پنج و شش بودن جرائم تعزیری ارتكابی و نبودن جزو جرائم مستثنی شده در ماده ۴۷ قانون فوق. بنابراین دادگاه مستنداً به مواد قانونی فوق و ماده ۹۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز مواد ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۵ الی ۵۵۸ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و نیز مقررات فصل اول از آیین‌نامه «نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات...» مورخ ۴ - ۲ - ۱۳۹۸ ریاست محترم قوه قضائیه، قرار تعلیق مراقبتی اجرای یک سوم از میزان مجازات‌های خدمات عمومی صادره را به مدت سه سال صادر و اعلام می‌نماید.

نتیجه

از نگرانی‌های حکومت‌ها (دولت - کشور) و کارشناسان علوم اجتماعی، نگهداشت سرمایه نیروی انسانی و به تبعیت از آن ممانعت و پیشگیری از جرم و اعمال نقض‌کننده قانون توسط کودکان و نوجوانان و جوانان است، چون ضروری است پیش از آنکه بزه‌کاری‌ها در اجتماع شیوع یابد، اقدامات پایه‌ای به عمل آورد. در این رویکرد ضابط دادگستری با تخصص کسب‌کرده در جوار نهادهای دیگر قادر خواهند بود به‌عنوان نهادی تأثیرگذار در اجتماع با نگرش جامعی و

جامعه‌محور در سطح‌های متنوع ممانعت و پیشگیری ورود کنند و با تمرکز بیش از پیش بر دانش‌آموزان نوجوان در تعامل و رابطه مشخص و با جهت‌گیری جامعه‌محور، به کم کردن ناهنجاری و بزهکاری و رفتار ناقض قانون و مهار آن می‌پردازند.

تأسیس پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ یکی از مصوبات بدیع و مهم این قانون است که بیان‌کننده دگرگونی سیر مراحل قانونگذاری براساس نظریه عدالت ترمیمی، حداقل نسبت به قشر زومرها از جمله کودکان و نوجوانان است؛ اما بیان این نکته ضرورت دارد که در گستره اختیارات پلیس مخصوص کودکان، رفتار و اعمال پلیس فقط جنبه بعدی و پسینی به معنای پس از وقوع جرم نخواهد داشت، بلکه قائم به اعمال پیشگیرانه هم می‌شود. بر همین منوال شایسته است که پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان در این موضوع سیاست جزائی و جنایی قابل قبول و کارآمدی را ارائه و ترتیب دهند. یکی از مجموعه‌هایی که مستقیماً با کودکان و نوجوانان ارتباط دارد، آموزشگاه‌ها و مدارس است. حاضر شدن ضابطان دادگستری خاصه پلیس در این آموزشگاه‌ها و ارتباط مستقیم میان افسران پلیس و دانش‌آموزان با میزان موفقیت بالا می‌تواند نتیجه اقدامات پیشگیرانه پلیس در مدارس باشد. بر این عقیده پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان در این موضوع نخواهد توانست بی‌تفاوت و بی‌توجه باشد. همراه بودن اولیای کودکان و نوجوانان و طرح تعالیم متناسب به ایشان و همچنین همکاری مطلوب با دست‌اندرکاران و اولیای آموزشگاه‌ها می‌تواند سهم بسیاری در ارائه طرح پلیس مخصوص کودک و نوجوانان داشته باشد؛ لذا از اقدامات این پلیس با هدف ارتقای اعمال پیشگیرانه قطعاً حضور مؤثر ضابطان دادگستری در مراکز آموزشی خواهد بود.

وانگهی تعامل سازنده و جدی فی مابین مددکاران اجتماعی و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) با ضابطان دادگستری خاص رسیدگی به امور کودکان در مسیر جلوگیری و پیشگیری جامعه‌ای از افعال ناقض قانون کودکان صورت می‌گیرد، چون که هم‌فکری مناسب در این زمینه سبب خواهد شد تا از جدایی امکانات و توانایی‌های کشورهای درخصوص عنایت به کودکان و نوجوانان خودداری شود.

مآلاً، فنی تلقی کردن فعالیت ضابطان موجب می‌شود که در این راستا اقدام به استفاده از ضابطان تخصصی درخصوص جرائم و رفتارهای ناقض قانون اطفال و نوجوانان صورت پذیرد. در نتیجه یکی از مؤلفه‌های قانونی درخصوص حفظ کرامت اطفال و نوجوانان استفاده از ضابطان تخصصی در دادرسی افتراقی درباره تحقیقات مقدماتی، اجرای حکم و پیشگیری از آن است. لذا

شایسته است که در این خصوص دوره‌های آموزشی با نظارت دادستان تشکیل و در محل هر دادرسان صابطان تخصصی ایجاد شود.

از سوی دیگر در خصوص تأسیس این پلیس از جنبه نیروی انسانی کارآمد، بهره‌برداری از نسوان در مأموریت‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان ناقض قانون بهترین گزینه خواهد بود، چه اینکه بانوان با توجه به ساختار شخصیتی ایشان که تعامل با کودکان و نوجوانان ودیعه الهی در وجودشان است به نحو مطلوب می‌توانند با این قشر از جامعه ارتباط برقرار کنند و مسیر جامعوی و پذیرش جامعه را برای آن‌ها فراهم سازند.

همچنین به جهت جایگاه و مرتبه پلیس تخصصی اطفال و نوجوانان ضروری است به هیچ عنوان از به‌کارگیری پرسنل وظیفه در فرایند دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان، استفاده نشود، چون علاوه بر عدم آموزش در این موضوع به جهت عدم مسئولیت‌پذیری چه‌بسا عویصه و مشکلاتی در فرایند عدالت ترمیمی حاصل کنند.

و در آخر جنبه حمایتی پلیس تخصصی اطفال و نوجوانان نباید مورد غفلت قرار گیرد، زیرا در فرایند عدالت ترمیمی نخست جلوگیری از آسیب رسیدن به بزه‌دیدگان پنهان و یا آشکار اطفال و نوجوانان مطلوب نظر است و هدف غایی در این نظام، عنایت ویژه به اطفال و نوجوانان در معرض خطر است که جنبه حمایتی و پیشگیرانه دارد و پلیس می‌تواند در این زمینه به‌عنوان ناظر دقیق در عدالت ترمیمی نقش ایفا کند و پل ارتباطی با سمن‌ها به منظور اعمال اقدامات امدادی و کمکی برای پیشگیری از رفتارهای ناقض قانون اطفال و نوجوانان باشد.

منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، امین (۱۳۹۶)، نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان، تهران: خرسندی.
- اشرفی، علی (۱۳۹۵)، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در دادرسی کیفری ایران، رساله دکتری، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۹۴)، «پلیس و مددکار اجتماعی»، فصلنامه علمی آموزشی مشاوره مددکاری ناجا، شماره ۸.
- باری، مجتبی (۱۳۹۵)، حدود اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری، تهران: کتاب آوا.
- پورعبدالله، کبری (۱۳۹۲)، «حق و منسب بودن حضانت و آثار حقوقی آن»، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۸.
- جلالیان، عسکر و همکاران (۱۳۹۹)، «ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نظام قضائی ایران»، فصلنامه حقوق کودک، سال دوم، شماره ۷.
- جهانی، بهزاد و پریش پورشکینایی (۱۳۹۰)، «جایگاه پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در فرایند دادرسی کیفری»، مجله کارآگاه، دوره ۲، شماره ۱۷.
- رجیبی تاج امیر، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۹)، «کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان»، فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، دوره ۳، شماره ۸.
- رضانیا، حمید و مریم ریگی (۱۳۹۲)، «وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۵»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۱.
- رضانیا، حمید و مریم ریگی (۱۳۹۵)، «وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۱ (۴).
- روشن، محمد (۱۳۸۹)، پلیس کودک و نوجوانان، تهران: چکمه.
- صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۹۱)، بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضائی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عبداللهی، سامان و همکاران (۱۳۹۷) «پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال با تأکید بر نقش پلیس ویژه اطفال»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۱.
- قناد، فاطمه (۱۳۹۱)، «نقش پلیس زن در پیشگیری از جرائم علیه زنان و کودکان»، فصلنامه فقه و حقوق، سال ۱۷، شماره ۵۶.
- کشفی، سعید (۱۳۸۷)، «جایگاه مددکاران اجتماعی و مشاوران زن پلیس در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان»، مجله پلیس زن، شماره ۶.
- مهدوی ثابت، محمدعلی و محمدرضا عبدیان (۱۳۹۷)، «جلوه‌های عدالت ترمیمی در مرحله تعقیب و تحقیقات جرایم اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۵.

- مودن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۷)، «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۲.
- مودن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۵)، «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۵.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۲)، *نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی*، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- نوری، امیر (۱۳۹۳)، «پیشگیری اجتماعی پلیس از بزهکاری کودکان»، *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی پلیس*، سال ۷، شماره ۴.

ب) منابع انگلیسی

- Cosines, A. (2008), "Restorative Justice and Child Sex Offences: The Theory and the Practice", **British Journal Criminal**, vol. 48.
- CRC, **General Comment No. 10, (Children's Rights in Juvenile Justice)**, CRC/C/GC/10, 2007, para. 55.
- Hollingsworth, K. (2007), "Responsibility and Rights: Children and Their Parents in Youth Justice System", **International Journal of Law, Policy and the Family**, Vol. 21,
- Van Boerne, G. (2006), **A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child (Article 40: child Criminal Justice)**, London/ Boston, Martinus Nijhoff Publishers.

